

۱۳۷۵/۴/۱۳



عدالت آموزشی

مؤلف:

دکتر عقیل احمدی

دکتر تورج حسینی را

(عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور استاد لریستان)

دکتر علی امینی

(عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام)



نشر راهبر

Rashadin Publication

سرشناسه : احمدی، عقیل
 عنوان و نام پدیدآور : عدالت آموزشی
 مشخصات نشر : تهران : راشدین، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۱۹۷ ص.
 شابک : 978-600-361-156-6
 وضعیت فهرست نویسی : فبیای مختصر
 یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در
 نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
 شماره افزوده : حسنی را، تورج، ۱۳۵۵ -
 شماره افزوده : امینی پشت تنگ علیا، علی، ۱۳۵۸ -
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۶۸۴۱۳



■ انتشارات راشدین

■ عنوان کتاب:	عدالت آموزشی
■ مؤلفین:	دکتر عقیل احمدی - دکتر تورج حسنی راد - دکتر علی امینی
■ نظارت کیفی:	سب عارفی
■ نظارت فنی:	سب عارفی
■ صفحه آرا و طراح جلد:	افسانه حسینیگو
■ چاپ و صحافی:	دی تاب
■ نوبت چاپ:	اول - ۱۳۹۴
■ شمارگان:	۱۰۰۰
■ شابک:	۷۹۸-۶۰۰-۳۶۱-۱۵۶-۶
■ قیمت:	۱۰۰۰۰۰ ریال
■ نشانی:	میدان انقلاب - کارگر جنوبی - کوچه گشتاسب - پلاک ۳ واحد ۶
■ تلفن / نمابر:	۶۶۴۰۸۲۲۴ - ۶۶۱۲۳۴۹
■ پایگاه اینترنتی:	www.rashedin.info
■ پست الکترونیک:	Email: rashed1829@yahoo.Com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۵	سخنی درباره این پژوهش.....
۸	پیش درآمد.....
۴۲	مدیریت مدرسه محور.....
۴۴	سازمانهای یادگیرنده.....
۴۷	عدالت اجتماعی.....
۴۹	انواع عدالت.....
۶۱	عدالت آموزشی.....
۶۵	مؤلفه‌های محیطی موثر بر عدالت آموزشی.....
۶۵	عوامل خانوادگی.....
۶۷	عوامل آموزشی.....
۶۷	عوامل فرهنگی - اجتماعی.....
۷۰	عوامل اقتصادی.....
۷۱	عدالت و معلم.....
۷۷	پیشینه پژوهش در جهان.....
۸۹	پیشینه پژوهش در ایران.....
۱۰۱	جمع‌بندی.....
۱۰۴	مبانی نظری پژوهش.....
۱۰۴	نظام آموزشی.....
۱۰۵	شاخص‌های درون‌داد.....
۱۰۵	شاخص‌های فرایند.....
۱۰۶	شاخصهای برونداد.....
۱۲۳	محاسبه نسبت‌ها.....
۱۳۱	تجهیزات و امکانات آموزشی.....
۱۳۲	تجزیه و تحلیل مالی.....
۱۳۵	منابع مالی نظام آموزشی.....
۱۳۶	هزینه‌های آموزشی.....
۱۳۸	هزینه سطوح مختلف آموزشی بر حسب نوع آموزش.....
۱۴۰	هزینه سرانه.....

۱۴۱	شاخص‌های نابرابری‌ها
۱۴۳	شاخص‌های برابری‌ها
۱۴۴	شاخص‌های جمعیت‌شناسی
۱۴۵	شاخص‌های سیاسی و اجتماعی
۱۴۷	شاخص‌های اقتصادی و مالی
۱۴۹	الگوی عدالت آموزشی
۱۵۰	فرصت‌های آموزشی
۱۵۳	منابع انسانی درون‌داد
۱۵۶	منابع مالی و کالبدی درون‌داد
۱۶۱	عملکرد نظام آموزشی
۱۸۵	توصیه‌های کارآمدی
۱۸۷	منابع و مآخذ
۱۹۳	منابع لاتین

سخنی درباره این پژوهش

عدالت آموزشی یکی از زیربنایی ترین ابعاد عدالت است. پیشرفت جامعه امروز ما منوط به تحقق عدالت آموزشی است. عدالت آموزشی می تواند آموزش و پرورش ما را در همه حوزه ها دچار تحول کند و زمینه بروز استعدادها و توانمندی ها را در سطح کلان فراهم آورد. با تحقق عدالت آموزشی است که همه استعدادهای نازمده بارور و شکوفامی شود. عدالت آموزشی است که می توان بین اجزای جامعه همسویی ایجاد کرد و جامعه را به سمت اهداف متعالی پیش برد. عدالت آموزشی می تواند بنیان جامعه را متحول کند. و با توزیع مناسب امکانات خصوصاً در زمینه نیروی انسانی کارآزمون فرزندان شایسته ای را به این سرزمین پاک تقدیم نماید. هر گونه تغییر در مدل سازنده ای بدون توجه کافی به پرورش نیروی انسانی کارآمد، انجام شدنی نیست و نیروی انسانی کارآمد درسایه فرصت های برابر آموزشی به بار خواهد نشست. هدف از این پژوهش شناسایی مشخصه های تاثیر گذار فرصتهای آموزشی برابر در آموزش و پرورش به منظور ارائه مدلی برای برقراری عدالت آموزشی است. پژوهش حاضر از نظر اهداف کاربردی، از نظر داده ها آمیخته و از نظر ماهیت و نوع مطالعه از نوع پژوهش پیمایشی مقطعی است. ابزار سنجش پژوهش حاضر یک پرسشنامه با ۱۷۷ سوال پژوهشی را تشکیل میدهد. این پرسشنامه به مدد یافته های ملی و جهانی تدوین گردیده است سپس براساس فن دلفی از خبرگان محاسبه و پرسشنامه نهایی تدوین گردید. روایی ابزار به مدد روایی سازه از تحلیل عامل اکتشافی با بار عاملی آن ۳۷۲/۸۱ (میزان تبیین واریانس توسط عاملها) و برای تعیین اعتبار از روش آلفای کرونباخ استفاده شده که میزان آن برابر ۰.۹۹ میباشد. جامعه آماری مورد پژوهش حاضر را کلیه مدیران اعم از

مدیران صفی و ستادی و معلمان و خبرگان حوزه آموزش و پرورش کشور که دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد به بالا در رشته امور تربیتی با توجه به امارهای وزارت آموزش و پرورش و تعداد ۱۰۰۰۰ نفر را تشکیل می دهد. و براساس روش نمونه گیری تصادفی ساده خوشه ای (با واحد مدرسه) و فرمول بولا (۱۹۷۰)، حجم نمونه ۳۸۴ نفر بوده که ابتدا ۵ استان به صورت تصادفی انتخاب و سپس در هر استان ۴ منطقه انتخاب و پرسشنامه توزیع گردیده است. پژوهش حاضر علاوه بر توصیف داده ها مانند رسم جدول توزیع فراوانی، رسم نمودارها رسم جداول مشخصه های آماری از آزمون آماری موصوف به تحلیل عاملی اکتشافی از نوع تجزیه مولفه های اصلی استفاده شده است این آزمون پاسخ به سوالهای پژوهش را توجیه می کند. صنادی برای مقایسه نظرات گروههای مختلف از آزمون آماری موسوم به آنالیز واریانس یک، هه استفاده شده است. در نهایت با توجه به مفروضه های تحلیل عاملی، ارزش ویژه سؤاها، درصد تبیین واریانس توسط هر عامل و نمودار شیب دار کتل، تعداد ۲۲ عامل از مصدعه ای ۱۷۷ سؤال بشرح ذیل استخراج گردید. ۱- برابری دسترسی آموزش ۲- نیاز به سازمانی ۳- نیاز دانش آموزان ۴- نیاز مدیران ۵- نیاز معلمان ۶- کسب مهارت ۷- برابریهای اجتماعی ۸- نسبت دانش امور به معلم و کتب ۹- شیوه های اجرا ۱۰- صلاحیت علمی و تخصصی معلمان ۱۱- یادگیری هم عرض ۱۲- فرصت های برابر یادگیری ۱۳- تمرکززدایی ۱۴- اطلاع رسانی ۱۵- فرصت های آموزشی برابر ۱۶- آموزش برای همه ۱۷- برابری منابع انسانی ۱۸- برابری منابع مادی و کالبدی ۱۹- برابری عملکرد

۲۰- ارزیابی برنامه ها ۲۱- شاخصهای ارزیابی ۲۲- مولفه های موثر محیطیه منظور تهیه پاسخ برای پرسش پژوهش، مبنی بر ترتیب اولویت مؤلفه‌های ارزش مقادیر مبتنی بر یافته‌های تحلیل اکتشافی نشان می دهد $81/372$ درصد مولفه های سازنده عدالت آموزشی بر پایه بیست و دو عامل استخراج شده از پرسشنامه تبیین می شود. همانطور که ملاحظه شد، عامل یکم یعنی عامل برابری دسترسی آموزش با ارزش ویژه $45/26$ ، درصد کل واریانس را تبیین می کند که بر پایه ویژگی - های تحلیل مؤلفه‌های اصلی این عامل بیشترین سهم را در تبیین واریانس کل را دارد و هیچ عامل نمی تواند واریانس بیشتری را در مقایسه با عامل نخست توجیه کند. عامل بیست و دوم یعنی عامل مولفه های موثر محیطی نیز با ارزش ویژه $1/83$ ، درصد کل واریانس را تبیین می کند که کمترین سهم را در تبیین واریانس کل سؤال ها داراست.

پیش درآمد

عدالت واژه ای است که از دیرباز توانسته است ذهن و زبان های زیادی را تسخیر کند. عدالت ابعاد گوناگونی دارد. عدالت اقتصادی، قضایی، سیاسی، آموزشی، قومیتی و...، عدالت آموزشی یکی از زیربنایی ترین ابعاد عدالت است در فرهنگ دینی ما همان قدر که علم و آموزش مورد تاکید قرار گرفته است بر عدالت به عنوان یک اصل ضروری نیز پای فشرده اند. پیشرفت جامعه امروز ما منوط به تحقق عدالت آموزشی است. عدالت آموزشی می تواند آموزش و پرورش ما را در همه حوزه ها دگرگون کند و زمینه بروز استعداد ها و توانمندی ها را در سطح کلان فراهم آورد.

در این عصر زراندوزی ها و بی عدالتی عدالت به زلال چشمه ای می ماند که می تواند روح را بیالاید و خصوصاً تحقق این اصل در آموزش و پرورش می تواند فردای روشن را برای فرزندان این دیار به ارمغان آورد. در این مطالعه به اختصار به عدالت آموزشی و ارائه مدل و راهکارهای تحقق آن در آموزش و پرورش پرداخته می شود. عدالت والاترین ارزش و ارمان برای رسیدن به آن است که امروزه فراهمی آن از ملزومات پیشرفت در هر جامعه به ویژه جامعه اسلامی است و در حقیقت همه کوشش ها وسیله ای برای تحقق عدالت است. ارزش هایی همچون آزادی و برابری ارزش هایی هستند که عدالت هم لازمه آن است و هم ملزوم آن و اگر آزادی و برابری به عدالت منتهی نشوند ارزشی نخواهند داشت. بهبود یک نظام آموزشی زمانی رخ می دهد که کاستی فعالیت های آن اصلاح شود. زیرا کاستی ها در یک نظام به منزله نقایص و عیوب آن بوده و در نتیجه نتایج مطلوب به عنوان

برونداد و یا پیامد از آن حاصل نخواهد شد. جهت برطرف کردن هرگونه نارسایی و کاستی در یک نظام قدم اول تشخیص نارسایی و علل و عوامل آن است.

عدالت از موضوعاتی است که از گذشته تا کنون در میان اندیشمندان مورد توجه بوده و در مباحث سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اثرگذار بوده است. اما عدالت در آموزش از مقوله هایی است که صاحبان اندیشه کمتر به آن توجه داشته اند. حق برابری از آموزش، از جمله حقوق بشر به حساب می آید، و گزارش های سالانه شمار آموزشی در مقیاس های ملی و بین المللی نمایانگر پیشرفتهای کمی حاصل از برخورداری از این حق اجتماعی است. با وجود این، به رغم موفقیت های بدست آمده در زمینه آموزش برای همه، شمار بیسوادان بزرگسال و کودکان واجب التعلیم خارج از مدرسه گواهی است بر ضرورت تلاش برای دستیابی به کمیت بیشتر (مشایخ، ۱۳۸۱). منظور از فرصت های برابر در آموزش، جلوگیری از حذف یا کاهش تبعیض بین افراد از لحاظ جنسیت، نژاد، وضعیت جسمانی، سنی، زبانی و طبقه اجتماعی است. برابری فرصت ها در بعد کلان نوعی نگاه انسانگرایانه و عدالت خواهانه را با خود به همراه دارد، که غالباً به عنوان یک شاخص جامعه توسعه یافته در نظر گرفته می شود. اما در بعد خرد، برابری فرصت ها و عدالت آموزشی، ابزار و سازوکاری است که موجب شکوفا شدن اندیشه های خلاق شده و امکان پرورش قابلیت ها را برای همه به طور مساوی تامین می کند. برابری فرصت ها در آموزش به موقعیتی اطلاق می شود، که در آن حتی افرادی که از پایگاه، ثروت و یا عضویت در گروه هایی که از امکانات و امتیازات ویژه برخوردار نیستند، امکان تحرک اجتماعی از طریق آموزش و تحصیل را دارا باشند (احمدی، ودهقان، ۱۳۸۲). ضرورت و اهمیت عدالت آموزشی، را می توان از دو دیدگاه دیگر مورد

بررسی قرار داد: از یک نگاه می توان آن را به عنوان هدف یا به عنوان وسیله ای در جهت تحقق هدف بلندمدت برابری اجتماعی مورد توجه قرار داد. در مفهوم لیبرال کلاسیک، برابری یعنی همه افراد بدون توجه به نژاد، رنگ، منشأ اجتماعی و ملی، در حقوق برابر و آزادند. در یک نگرش سوسیالیستی، آموزش به عنوان وسیله اصلی برابرسازی تفاوت های اجتماعی دیده می شود. برابری فرصت های آموزشی زمانی تحقق می گردد که همه افراد در دستیابی به آموزش برابر باشند، این هدف امروزه در سطح بین المللی پذیرفته شده، اما کاملاً محقق نشده است. (لینون^۱ - ۲۰۰۳).

در هر سرمایه گذاری آموزشی، مسائلی مربوط به کارایی و عدالت مطرح اند. مفهوم عدالت در سرمایه گذاری آموزشی به چگونگی توزیع هزینه ها و فایده های حاصل از یک سرمایه گذاری آموزشی بین گروه های زنان و مردان و مناطق مختلف مربوط می شود تا تسهیلات آموزشی برای عموم قابل دسترسی باشد. نتایج به دست آمده حاکی از آنند که نابرابری دسترسی و توزیع تسهیلات در کشورهای در حال توسعه شدید است. از حدود پنجاه سال پیش ماههای سراسر دنیا از اعلامیه جهانی حقوق بشر و حق آموزش برای همه افراد صحبت کردند. به رغم تلاشهای چشمگیر کشورهای سراسر دنیا برای تامین حق آموزش برای همه، واقعیات زیر ادامه داشته است:

- بیش از ۱۰۰ میلیون کودک و تعداد بیشماری از بزرگسالان در تمام برنامه های آموزشی خود با شکست مواجه شده اند.

- بیش از ۱۰۰ میلیون کودک خردسال، شامل ۶۰ میلیون دختر، به آموزش ابتدایی دسترسی ندارند.

- در ۱۶ کشور (۱۳ کشور در صحرای افریقای جنوبی) شاخص برابر جنسیتی در آموزش ابتدایی به زیان دختران بوده است.

- از بین ۱۲۸ کشور، ۵۲ کشور به هدف تحقق برابری استفاده از فرصت‌های آموزشی دست یافته اند، ۲۲ کشور تا سال ۲۰۱۵ به این هدف خواهند رسید و ۵۴ کشور دیگر نیز به هدف تحقق برابری آموزشی تا سال ۲۰۱۵ نخواهند رسید (برار - ۲۰۰۲).

در کشورهای مختلف، گر هبایی نسبت به گروه های دیگر، دسترسی بیشتری به آموزش دارند، ولی عوامل متعددی که دسترسی در بین کشورها متفاوت است. از طرفی هم تحقیقات انجام شده نشان می دهد که همواره نوعی احساس بی عدالتی بین کارکنان آموزش و پرورش وجود دارد. (گروور - ۱۹۹۳ کارکنان آموزش و پرورش همواره از وجود نوعی بی عدالتی شکوه دارند، و معتقدند که مسائل مربوط به عدالت و انصاف در نظامهای آموزشی نباید به صورت سطحی بررسی شود (شفیع پور مطلق، ۱۳۹۰). دسترسی به فرصت‌های برابر آموزشی یکی از آرمانهای بسیاری از نظامها (و از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر عدالت اجتماعی طراحی شده) است. تامین عدالت آموزشی و کاهش نابرابریها به منظور ارتقای کارایی و اثر بخشی همه دانش آموزان یکی از اصول مهم و حیاتی و از رسالتها و ماموریت‌های نظام آموزشی است. با عنایت به ضرورت و تاثیر عدالت

آموزشی سؤال اساسی این است که این عدالت چگونه باید محقق شود؟ برای فراگیر شدن عدالت آموزشی در حوزه های تعلیم و تربیت چه باید کرد؟ با توجه به پراکندگی کشور و شرایط خاص اقلیمی، فرهنگی - سازمانی و قومی چگونه میتوان باور عدالت آموزشی را بسط و گسترش داد و زمینه اجرای عملی آن را فراهم ساخت. برای تحقق این مهم از یک سو به سنجش موقعیت میزان دسترسی به فرصت های آموزشی در مناطق مختلف کشور و بین اقشار زن و مرد در مقاطع تحصیلی نظیر دبستان، راهنمایی تحصیلی، دبیرستان و دانشگاه نیاز است و از سوی دیگر راهکارها را برای کاهش نابرابری در دسترسی به فرصت های آموزشی باید مدنظر قرار گیرد. یکی از اساسی ترین اهداف نظام تعلیم و تربیت هر جامعه پرورش انسانهای متعهد و مسئولیت پذیر، عدالت خواه، نیک اندیش و نیک منش و در نهایت انسان متعالی است. عدالت به معنی برابر شناختن انسانها و امکان احقاق حقوق برای همه افراد است و باور به عدالت در زمره ی مطرح ترین باورهای بشری است. فطرت اخلاق گرای انسان، عدالت را به خودی خود در ترین موضوع تأمل و تفکر برای او تبدیل نموده است. بطوریکه یکی از آرزوهای اساسی انسان در طول تاریخ اجرای عدالت و تحقق آن در جامعه بوده است. در این خصوص کتبها و اندیشه های گوناگون بشری و الهی راه حل های گوناگونی را برای زمین و استقرار آن پیشنهاد کرده اند. نظریات مربوط به عدالت به موازات گسترش و پیشرفت جوامع بشری تکامل یافته و دامنه آن از نظریات ادیان و فلاسفه به تحقیقات تجربی کشیده شده است. از طرفی سازمانها چنان، بر زندگی بشر سیطره افکنده اند که هر انسان از لحظه تولد تا مرگ مستقیماً وابسته به آنهاست بطوریکه امروزه زندگی بدون سازمانها قابل تصور نیست. بنابراین اجرای عدالت در جامعه منوط به اجرای آن در

سازمان‌ها است (حسن زاده و ناصری، ۱۳۸۶). دلیل اهمیت این باورها، تا اندازه زیادی از گرایش دینی و فطری انسان به مساوات و انصاف که خود از زیر بناهای عدل محسوب می‌شود، نشأت می‌گیرد.

(لرنر^۱ ۱۹۶۵) مفهوم باور به دنیای عادلانه^۲ را معرفی کرد. از آن تاریخ، بیش از چهل سال می‌گذرد و طی این مدت مفهوم دنیای عادلانه فراز و فرودهای زیادی را پشت سر گذاشته است (گلپروور، ۱۳۸۹)^۳. با توجه به اهمیت آموزش در تربیت و پرورش انسانها می‌توان گفت آموزش و نظام آموزشی یکی از عوامل مهم در شکوفایی و پیشرفت استعدادهای انسان است و باید در پی فرآیندهایی بود که اثر بخشی آموزش بهینه شود. این مهم در صورتی فراگیر خواهد شد که عدالت آموزشی در نهادهای آموزشی کشور حاکم شود. عدالت آموزشی یکی از زیربنایی ترین ابعاد عدالت سازمانی است که می‌تواند به حواه های بالاتر را دچار تحول کند و زمینه بروز استعدادها و توانمندی ها را در سطح کلان فراهم آورد. (اوپهایم^۴، ۲۰۰۴). در محیط تحصیلی و به ویژه مدارس وجود شرایط عادلانه و رعایت عدالت می‌تواند سبب انتقال حس ارزشمندی به دانش آموزان گردد، بعلاوه اثرک حضور عدالت، تردیدها و نگرانی های افراد را در باب تضییع حقوق آنها، برطرف می‌کند و برعکس احساس تضییع حقوق باعث ایجاد تردید و اضطراب در افراد می‌شود (لیند^۵، ۲۰۰۲). در دوران قبل از انقلاب اسلامی ایران تنها عده‌ی معدودی از افراد امکان

1- Lerner

2- Belief in a Just world

3- Golparvar

4- Opchaym

5- Lind

دستیابی به تحصیل را داشتند و از امکانات آموزشی بهره می‌بردند، با روی کار آمدن انقلاب اسلامی ایران، نگاه عدالت آموزشی و آموزش برای همه از شعارهایی بود که مطرح شد و زمینه اجرای آن فراهم گردید.

با توجه به مباحث مطرح شده بحث بررسی فرصت‌های برابر در آموزش و پرورش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده که لازم است شاخص‌های درونداد و برونداد نظام آموزشی بررسی و مولفه‌های تاثیر گذار بر عدالت آموزشی با توجه به متغیرهای محیطی استخراج تا بتوانیم با توجه به شاخص‌ها و مولفه‌ها نسبت به برنامه‌ریزی مراحل اجرای عدالت آموزشی که یکی از مهمترین مسائل در مقوله عدالت آموزشی است، راحل اساسی برای اجرای عدالت آموزشی را شناسایی و نسبت به ارائه الگوی مناسب برای برقراری عدالت آموزشی اقدام نمائیم یا بعبارت دیگر چه نوع مدلی را می‌توان رای تحقق عدالت آموزشی ارائه نمود؟

محقق شدن عدالت در یک جامعه، ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ و آموزش آن کشور دارد. اگر در آموزش و فرهنگ یک کشور گزند از تبعیض، فساد، خیانت و حق‌کشی وجود داشته باشد و مردم به حق و عدالت کرایش داشته باشند می‌توان به نوعی تعادل در آموزش رسید که همان عدالت فرهنگی آموزشی است. جایگاه رفیع آموزش و وجود استعدادهای سرشار و توانمند و عدالت را بیشتر ضروری می‌سازد.

آموزش به عنوان رکن ترقی و پیشرفت یک کشور در صورتی فراگیر خواهد شد که عدالت آموزشی در سیستم آموزش و پرورش و نهادهای آموزشی دیگر حاکم شود. عدالت آموزشی یعنی بهره‌گیری همه استعدادهای کشور از امکانات متناسب با نیازهایشان و تحقق این آرزوی دیرین مستلزم اراده‌ای قوی و همه‌جانبه‌نگر

است تا با جلوگیری از انباشت امکانات و توانمندی‌ها در یک نقطه خاص یا برخی مناطق برخوردار زمینه بهره‌مندی همه استعدادها از امکانات را فراهم آورند. عدالت آموزشی در آموزش و پرورش از اصولی است که اخیراً دولتمردان برای اجرای آن اهتمام خاص مبذول داشته‌اند و در برنامه‌های کار به دستان آموزش و پرورش بر اجرای این اصل غریب تأکید شده است. عدالت آموزشی آرزو و امیدی است که می‌تواند خردای روشنی را برای فرزندان این دیار به ارمغان آورد.

عدالت آموزشی بنیان فکر و فرهنگ یک جامعه است. با عدالت آموزشی قله‌های رفیع نابرابری ارتفاع‌شان کم خواهد شد. وقتی عدالت آموزشی در یک سیستم آموزشی حاکم باشد فرهنگ آن جامعه متوازن و پایدار خواهد بود و در بستر این فرهنگ متوازن بالندگی فکور، اقتصادی، سیاسی و آموزشی رشد میکند. تنها در صورتی می‌توان به عدالت در جای امید بست که عدالت آموزش حاکم باشد. با عدالت آموزش بغض گلوگیر فرزندان نشسته در یک کلاس در دورترین روستاها به لبخند و مهرگره خواهد خورد و یک‌رنگی و هم‌پار صمیمیت در هر کجای این کشور عزیز تماشایی خواهد شد.

آنچه مسلم است عدالت آموزشی می‌تواند بستر ساز عدالت اجتماعی و اقتصادی باشد با عدالت اجتماعی نخبگان شناسایی و جذب می‌شوند و با عدالت آموزشی یکسو نگری و یک‌جانبه‌گرایی رنگ می‌بازد و زمینه بروز همه استعدادها در این دیار فراهم می‌شود.

عدالت آموزش که جزیی از عدالت فرهنگی است زمینه برخورداری افراد یک جامعه از همه امکانات برابر آموزش را فراهم می‌آورد. در طول تاریخ، نبود عدالت آموزشی و فرهنگی از سرعت پیشرفت تمدن بشری کاسته و همواره تضاد طبقاتی

به چشم می خورد. یکی از شاخه های مهم عدالت محوری فراهم شدن امکان رشد و اعتدال فرهنگی و آموزشی برای همه مردم صرف نظر از جنس، طبقه، نژاد و یا رنگ است. در نظام حکومتی امام مهدی (عج) نادانی، بی سوادی و کم خردی به طور کلی ریشه کن شده و همه انسان ها به مقتضای توانایی خود از بالاترین حد دانش بهره مند می شوند.

بدیهی است ملتی که دلدادگی به عدالت برایش به صورت یک باور درآمده باشد و این باور از مبانی کتاب های درسی ذهن فرزندان این دیار را به کنکاش و تکاپوی بیشتر برای زیاده کمازات متناسب با نیازهای روز نشأت گرفته باشد می تواند در حاکم شدن ارزش های متعالی انسانی در پرتو برابری های مطلوب آموزشی مثمرتر باشد.

با تحقق عدالت آموزشی و فرهنگی است که همه استعدادهای توانمند بارور و شکوفا می شود حکومت با استفاده از امکانات موجود نسبت به آموزش گسترده مردم برای احترام به قانون و روی آوری به عدالت رنجاری پذیری خواهد کوشید. عدالت فرهنگی و آموزشی است که می توان به اینجای جامعه همسویی ایجاد کرد و جامعه را به سمت اهداف متعالی پیش برد. حسن میزبانی، فداکاری، ایثار و غیرتمندی و ایستادگی در برابر ظلم و جور را در آن جا برانگیخت و آن را یک صدا و یک دل و یک پارچه در راه سازندگی و آبادانی و پیشرفت پیشگام کرد.

عدالت آموزشی می تواند بنیان جامعه را متحول کند. کشور را به سمت علمی نگری و حرمت نهی به علم پیش برد. جامعه را از صعب ترین مسیرها برای نیل به سربلندی سوق دهد، می تواند جامعه را از فقر مضاعف و تنگدستی برهاند و با

توزیع مناسب امکانات خصوصاً در زمینه نیروی انسانی کار آزمون فرزندان شایسته ای را به این سرزمین پاک تقدیم نماید.

هر گونه تغییر و تحول سازنده ای بدون توجه کافی به پرورش نیروی انسانی کارآمد، انجام شدنی نیست. و نیروی انسانی کارآمد درسایه فرصت های برابر آموزشی به بار خواهد نشست. آموزش و پرورش مهمترین ثروتی است که در جامعه توزیع شده و به مدد آن، مردم توانسته اند مشکلات خود را تحلیل کنند و استعدادهای خود را پرورش دهند. وازاینروست که طی دهه های اخیر موضوع فرصت های برابر آموزشی مورد بحث صاحب نظران بوده است (مشایخ، ۱۳۷۷). هموار کردن راه های تحصیل در طول سه دهه گذشته یک هدف مهم و سیاستی آشکار در کشورهای در حال توسعه بوده است. در ایران نیز جدا از معاهدات و کنوانسیون های بین المللی، قوانین ملی و مذهبی نیز بر اهمیت این موضوع تاکید داشته است (نبی زاده سرابندی، ۱۳۸۴). لزوم آموزش و عدالت آموزشی در معاهدات و کنوانسیون های جهانی مورد تاکید قرار گرفته، و در اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به حقوق مساوی مردم ایران صرف نظر از رنگ، نژاد و زبان اشاره شده است (ملکی، ۱۳۷۲). عدالت در آموزش یکی از پرچالش ترین مباحث در نظام آموزشی است. ایجاد محیط یادگیری بدون اسررس رساندن یادگیرندگان به رشد وبالندگی، اجرای یکسان قوانین و مقررات آموزشی برای همه افراد و فراهم نمودن زمینه های مهارت و آمادگی برای بازار کار از مقوله های عدالت آموزشی می باشد (ثناگو، ودیگران، ۱۳۹۰). تحقق عدالت آموزشی یکی از اصول مهم و حیاتی است. با عنایت به ضرورت و تاثیر عدالت آموزشی سؤال اساسی این است که این عدالت چگونه باید محقق شود؟ برای فراگیر شدن عدالت

آموزشی در حوزه های تعلیم و تربیت چه باید کرد. با توجه به پراکندگی کشور و شرایط خاص اقلیمی، فرهنگی- سازمانی و قومی چگونه می توان باور به عدالت آموزشی را بسط و گسترش داد و زمینه اجرای عملی آن را فراهم ساخت (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۰، ۱۶). یکی از موثرترین راه های تحقق عدالت اجتماعی، تامین فرصت های یکسان و برابر برای دسترسی عموم افراد جامعه به آموزش و پرورش است. همه احاد انسانی حق دارند که از آموزش و پرورش یکسان برخوردار گردند. در جهان کنونی یکی از شاخص های پیشرفت اجتماعی، آموزش و پرورش و چگونگی برخورد از آن می باشد، و بر همین مبنا کشورها، و بخصوص کشورهای در حال توسعه درصدد ایجاد فرصت های برابر دسترسی همگان به آموزش هستند (عبدوس، ۱۳۸۱). برابری به معنای فرست های برابر متناسب با نیازهای ویژه هر فرد اشاره دارد. زیرا افراد در دانش، مهارت، توانایی یادگیری و پیشینه فرهنگی و نیازهای آموزشی با هم متفاوتند (دهقانی، ۱۳۸۴). تغییر در ترکیب جمعیت و نیروی انسانی و رشد سریع جمعیت موجب تغییر سبک زندگی، نتیجه، تغییر در ساختار هرم اشتغال شده است. بنا به گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۳، بیش از یکم درصد نیروی کار رو به افزایش خواهد گذاشت و این مساله در میان گروه های کم درآمد و طبقات پایین ملموس تر و آشکارتر خواهد شد. همچنین شغل زنان در مشاغل سطوح بالا نیازمند مهارت است، که این امر ضرورت اتخاذ رویکرد دسترسی برابر به فرصت های آموزشی برای زنان و اقشار کم درآمد است.

یکی از موثرترین راههای تحقق عدالت اجتماعی تامین فرصت های آموزشی یکسان برای دسترسی عموم افراد جامعه به آموزش و پرورش است. عدالت آموزشی از موضوعاتی است که در طول تاریخ مورد توجه بوده و ابعاد گوناگونی نظیر

عدالت اقتصادی، سیاسی، قضایی و آموزشی داشته که عدالت آموزشی زیر بنای سایر ابعاد عدالت قلمداد می شود چرا که پیشرفت جامعه امروز منوط به تحقق عدالت آموزشی بوده که می تواند همه حوزه های دیگران دچار تحول کرده و زمینه بروز استعدادها و توانمندیها در سطح کلان جامعه را فراهم کند عدالت از موضوعاتی است که از گذشته تا کنون در میان اندیشمندان مورد توجه بوده و در مباحث سیاس، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی اثرگذار بوده است. اما عدالت در آموزش از متولهایی است که صاحبان اندیشه کمتر به آن توجه داشته اند. در این نوشتار سعی شده است بطور مجمل ابتدا به مفهوم شناسی عدالت از دید اندیشمندان اسلامی پرداخته شود سپس مفهوم عدالت در حوزه آموزش و پرورش با توجه به عوامل موثر در بهر سدی آموزشی و عدالت در بعد پرورشی بررسی شود. آنچه که از مفهوم عدالت در شرع و روایات و در آثار اندیشمندان اسلامی به وفور یاد شده است در دو تعریف موجود است: قرار دادن هر چیزی در جای خود؛ و رساندن حق به حقدار و استیفای حقوق و اعطای به میزان استحقاق. این دو تعریف در واقع مکمل و متمم یکدیگرند. عدالت در اسلام به درگیر تشریعی و تکوینی است. در عدالت تکوینی، خداوند به هر کسی به اندازه استحقاق ذاتی، وجود و استعداد و کمالات فطری و ذاتی عطا می کند، آنگاه در پرتو عدالت تشریعی و انزال شریعت توسط انبیاء، امکان تحقق و فعلیت توانمندی های انسانها را جهت وصول به سعادت، برایشان مهیا می کند. هرچقدر که افراد وظایف و تکالیف شرعی خود را در حوزه های مختلف اعم از اجتماع و سیاست و... به میزان مختلف انجام دهند به همان اندازه نیز کرامت و شأن یافته و از استحقاق و پاداش بیشتری برخوردار می شوند. از نظر اندیشمندان اسلامی از جمله مظهری عدالت آن است که

استحقاق‌ها و حقی که بشر به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست می‌آورد به او داده شود. صدر نیز عدالت را مبتنی بر دو اصل تأمین اجتماعی و توازن اجتماعی می‌داند.

بر اساس اصل تأمین اجتماعی دولت موظف است که فرصت کار را برای همه فراهم کند و هرکس فرصت لازم را بدست نیاورد، امکان بهره‌مندی از ثروت‌های طبیعی را در حد یک زندگی مناسب برایش فراهم آورد. مبنای نظری این اصل، استحقاق مشترک همه افراد در منابع ثروت است. اصل توازن اجتماعی به این صورت بیان شده است که اسلام با تحریم اسراف، از مصارف زائد طبقه مرفه جلوگیری نموده و طرف دیگر سطح زندگی طبقه پایین را ترقی می‌دهد و به این ترتیب سطوح مختلف را به یکدیگر نزدیک می‌نماید تا آنجا که مردم در سطحی واحد ولی با درجات متفاوت و به سبب از تعارضات طبقاتی زندگی نمایند. همانطور که از نظرات صدر بر می‌آید عدالت مبتنی بر استحقاق مشترک همه افراد در برخورداری از منابع و نزدیک کردن سطوح مختلف به یکدیگر و از بین رفتن تعارضات طبقاتی است. اما آنچه افراد را مستحق برخورداری مشترک از منابع می‌سازد از دیدگاه صدر، کار است همچنان که مطهری نیز کار را تلاش را ملاک استحقاق افراد می‌داند. در کنار مقوله کار و تلاش، در موضوع عدالت، استحقاق‌ها و حقی که بشر به موجب خلقت خود بدست می‌آورد نیز مورد توجه است. بر این اساس همه افراد به موجب خلقتشان نیازهایی دارند و از دیدگاه صدر نیز باید فرصت تأمین این نیازها و پرورش قوای ذاتی همگان فراهم شود. با توجه به نظر اندیشمندان اسلامی، سه معیار تعیین‌کننده در بهره‌مندی از امکانات آموزشی و ایجاد عدالت آموزشی، تلاش، نیاز و استحقاق ذاتی افراد است. در تحلیل‌های

اقتصاد آموزش نیز، مهمترین معیارهایی که برای تخصیص منابع و بهره‌مندی از آموزش مورد توجه است کارایی، برابری و عدالت می‌باشد. در تحلیل کارآمدی تخصیص منابع، این نکته مورد توجه است که با منابع در دسترس، حداکثر محصول تولید شده یا حداکثر اهداف محقق شود بگونه‌ای که امکان افزایش محصول در نتیجه تخصیص مجدد منابع مقدور نباشد. تخصیص منابع به طور کارآمد در شرایط و مناسباتی تحقق پذیر است که اصل اساسی شایستگی رعایت شود. اصولاً موانع زیادی در سول تاریخ فرا راه تحقق این مهم بوده است و تبعیض‌ها و محدودیت‌هایی را با عاب، افراد یا گروه‌های خاصی اعمال شده است. به عبارتی، همه افراد به طور برابر از امکانات آموزشی برخوردار نبوده‌اند. در این تحلیل‌ها عوامل موثر در بهره‌مندی آموزشی به دسته فرد و خانواده، مدرسه، نظام آموزشی و دولت، و محیط فرهنگی - اجتماعی تقسیم می‌شوند. توانمندی‌های ذاتی، سلامت و بهداشت، انگیزه برای تحصیل و وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده از جمله عوامل موثر بر آموزش و تحصیلات افراد در چهارچوب عوامل فردی و خانوادگی است. از آنجا که در هر جامعه‌ای عوامل فردی و خانوادگی، این گروه‌های مختلف یکسان نیست، انتظار می‌رود، بهره‌مندی آموزشی افراد از نتیجه این عوامل نیز متفاوت باشد. از بعد عدالت آموزشی، افراد در کنار استعدادهای ذاتی که دارند، باید تلاش کنند و در گرو کار و فعالیت خود از حقوقی برخوردار می‌شوند. اما به ثمر رسیدن تلاش در گرو فرصت‌های مناسب است که در این شرایط انگیزه و اراده و انتخاب افراد می‌تواند تعیین کننده باشد. در جامعه ما ممکن است افراد، مبتنی بر توانمندی‌هایشان کار و فعالیت داشته باشند اما به آنچه که مستحق آن هستند دست نیابند. از طرفی اختیار و اراده تحت تاثیر عواملی چون وضعیت اجتماعی و

اقتصادی خانواده و سلامت آن است که بر میزان تلاش افراد تاثیرگذار است. بنابراین خانواده‌هایی که از نظر عوامل اجتماعی و اقتصادی و سلامت از وضعیت بهتری برخوردارند این امکان بیشتر از سایرین برایشان فراهم است تا فرزندان‌شان از فرصت‌های بهتر و انگیزه بیشتری برای تحصیل برخوردار باشند و بتوانند توانمندی‌های ذاتی‌شان را نیز در مسیر بهتری عملی سازند. علاوه بر عوامل فردی و خانوادگی، عوامل متعددی از ناحیه مدرسه و واحد آموزشی سطح آموزش و تحصیلات افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. (جونز^۱، ۱۹۷۵) به عنوان مثال، هر چقدر نیروی انسانی با تجربه‌تر، با انگیزه‌تر، و دارای تحصیلات بیشتر باشد، انتظار می‌رود کمیت و کیفیت آموزش افراد نیز بهبود پیدا کند. برای سایر عوامل یعنی تجهیزات، فضای آموزشی و... نیز تاثیر داری مشابهی قابل انتظار است. یکی از منابعی که به عنوان درون‌داد در اختیار نظام آموزشی است و وسیله‌ای برای سنجش نابرابری‌ها است تجربه و تخصص و صلاحیت علمی معلمان و کادر آموزشی است. صلاحیت در لغت معمولاً به عنوان مناسب برای مقصود، رشد و سزوار، کفایت کننده، و یا به معنی درست کیفیت یافته، قابل پذیرش و یا به معنی "ته‌انا" و در حالتی نیز به آمادگی کافی برای وارد شدن به حرفه‌ای خاص برمی‌گردد. در ارتباط مستقیمی با داشتن گواهی یا تائیدیه خاص در آن حرفه دارد. در کشور ژاپن شرط انتخاب معلم داشتن گواهی نامه معلمی است. در آلمان نیز داوطلبان پس از گذراندن دوره‌های لازم و تایید صلاحیت‌شان گواهی نامه معلمی دریافت می‌کنند. اما در ایران داشتن گواهی نامه معلمی که از شرایط حتمی برای ورود به حرفه معلمی در کشورهای

پیشرفته دنیا است، در قانون توجه نهاد تربیتی کشورمان قرار ندارد. در ایران آزمون‌های عملکردی به منظور سنجش صلاحیت حرفه‌ای داوطلبان کمتر مورد توجه قرار گرفته است، بنابراین داشتن گواهی‌نامه معلمی و گذراندن موفقیت‌آمیز امتحانات تعیین صلاحیت حرفه‌ای که از شرایط حتمی برای ورود به حرفه معلمی در کشورهای پیشرفته دنیا است، در قانون توجه نهاد تربیتی کشورمان قرار ندارد. بگذریم از این که در کشورمان بی‌علاقگی و کم توجهی جوانان با استعداد به اشتغال در آموزش و پرورش مساله‌ای فراگیر و عمومی است. این یک واقعیت اجتناب ناپذیر است که وقتی نراده از نظر تحصیل و تخصص از درجات بالاتری برخوردارند، مشاغلی را بر تن می‌دهند که پر درآمد است و موقعیت اجتماعی بالاتری دارد. از طرفی در جامعه ما باس از اختیار عمل یکسانی برخوردار نیستند و این امر بی‌عدالتی را تقویت می‌کند. مدارس غیردولتی از قدرت جذب امکانات و نیروی انسانی بهتری برخوردارند. بنابراین مدیران برای اینکه پاسخگوی والدین در ارائه بهترین خدمات آموزشی باشند سعی در جذب معلمان بهتر و با تجربه‌تر دارند. در این میان معیار بهره‌مندی از امکانات بهتر و بیشتر در مدارس ما پیش از آنکه تلاش و توانمندی دانش آموز باشد توانایی اقتصادی خانواده است که این حق را به آنها می‌دهد تا شرایط بهتری برای تحصیل فرزندانشان فراهم سازد. این مساله بر اساس تعریف عدالت پذیرفتنی است که دانش‌آموزانی که از تلاش و توانمندی بیشتری برخوردارند از امکانات، تجهیزات و مطالب بیشتری بهره‌مند شوند اما وقتی ملاک توان اقتصادی خانواده‌ها باشد، دانش آموز مناطق محروم با همه توانایی و تلاش ممکن، هم از نظر امکانات مدرسه و هم توانمندی نیروی آموزشی امکان پیشرفت بیشتر و دستیابی به حق آموزش بالاتر برایش میسر نباشد. خانواده‌های ما

نیز اگر درآمد کافی داشته باشند ترجیح می‌دهد فرزندانشان به دلیل برخورداری مدارس غیردولتی از کیفیت و امکانات بیشتر، در این مدارس تحصیل کنند. همچنانکه فرزندان خانواده‌های دارا با پرداخت شهریه آموزش کیفیت آموزش را بالا می‌برد اما منجر به طبقاتی شدن آموزش می‌شود که در این صورت دولت باید تسهیلات ویژه‌ای برای خانواده‌های محروم مثل وام تحصیلی و بورس تحصیلی فراهم سازد (ساک، ۱۹۸۳). نظام آموزشی و به طور کلی دولت نیز سهم قابل توجهی در توسعه آموزش و ارتقاء سطح تحصیلات افراد دارد. از یک طرف، منابع مالی را به صورت برده‌ای و واحدهای آموزشی و کمک‌های مالی به افراد، فراهم می‌نماید. از طرف دیگر با وسیع‌توانی و مقررات مناسب، امکان دسترسی برابر به تسهیلات آموزشی را برای همه مهیا می‌سازد. بویژه توزیع فضاها و امکانات آموزشی متناسب با پراکنش جمعیت، که باز مالی قابل توجهی به بودجه دولت تحمیل می‌کند، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق برابری و عدالت در بهره‌مندی آموزشی دارد. میزان دخالت دولت در آموزش به شکاف بین سرمایه‌گذاری افراد در آموزش با میزان مطلوب از نظر اجتماع بستگی دارد. مسلماً هرچه این فاصله بزرگ‌تر باشد، اهمیت دخالت دولت نیز بیشتر خواهد بود. بنابراین نقش دولت اطمینان حاصل کردن از این است که تامین نیازهای آموزشی به اندازه کافی، با کارآمدی لازم و با رعایت برابری و عدالت فراهم شود. امام خمینی (ره) بهره‌مندی از امکانات تحصیل و آموزش عمومی را جزء حقوق مردم و وظایف دولت به عنوان نیاز اساسی زندگی همه اقشار می‌دانستند و یکی از وجوه محرومیت‌ها را عدم برخورداری از امکانات آموزش عمومی می‌دانستند. طبق آمار منتشر شده از سوی وزارت آموزش و پرورش، تعداد دانش‌آموزان استثنایی ۳/۶ درصد و آموزشگاه ویژه آموزش و پرورش فرزندان و

دانش آموزان استثنایی ۲۱ درصد افزایش یافته است. این امر با توجه به کاهش کلی جمعیت دانش آموزی کشور قابل توجه است. در سه سال گذشته دانش آموزان تیزهوش و سرآمد تحت پوشش ۲۷ درصد و مدارس استعدادهای درخشان نزدیک به ۲۷ درصد افزایش پیدا کرده است. دانش آموزان مدارس شبانه روزی ۱۲ درصد و آموزشگاه‌های راهنمایی و متوسطه شبانه روزی نیز نزدیک به ۲۱ درصد افزایش پیدا کرده و بدین ترتیب در حال حاضر نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر از دانش آموزان مناطق محروم و روستایی در حدود ۳۵۰۰ آموزشگاه شبانه روزی مشغول به تحصیلند. بنابراین گزارش، از جهت توجه به آموزش و پرورش فرزندان مستعد مناطق محروم تعداد ۱۵۵ مدارس دولتی جدید به بهره‌برداری رسید که حاکی از رشد ۱۷/۲ درصدی این مدارس است. بدین ترتیب در حال حاضر بیش از ۱۷۲۰۰ نفر از دانش آموزان در این مدارس به تحصیل اشتغال دارند. آمارهای منتشره نشان از رشد کمی مراکز آموزشی دولتی دارد. اما آمار قارلی دانش آموزان در مدارس غیردولتی از مدارس دولتی بیشتر است که بیشتر به این اشاره شد. در بخش آموزش عالی اگر بخواهیم تحلیلی از وضعیت عدالت آموزشی داشته باشیم آنچه که در ابتدا بیش از همه مورد توجه است نحوه پذیرش دانشجویان است. از آنجایی که توانمندی‌های ذاتی افراد متفاوت است و بهترین دانشگاه‌های ما در اختیار دولت است؛ با برگزاری آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها سعی بر آن است که بهترین‌ها از نظر توانایی ذاتی و طبیعی وارد دانشگاه‌ها شوند. همچنین افراد از نظر وضعیت اقتصادی در شرایط متفاوتی قرار دارند و امکان ادامه تحصیل برای همه در سایر دانشگاه‌های غیر دولتی میسر نیست. بنابراین رقابت برای حضور در دانشگاه‌های دولتی که هم از کیفیت بهتری برخوردارند و هم افراد پذیرش شده از آموزش‌های

یارانه‌ای برخوردار می‌شوند، بیشتر می‌شود. در این میان فرزندان خانواده‌های دارا که از توانمندی نسبی نیز برخوردارند به عنوان استفاده‌کنندگان از مدارس خصوصی که عموماً از کیفیت آموزش بهتری برخوردارند و با داشتن امکانات بیشتر و استفاده از انواع کلاس‌ها و آزمون‌های آمادگی کنکور به موفقیت تحصیلی بیشتری دست می‌یابند؛ بیشترین شانس را برای پذیرش در دانشگاه‌های دولتی و استفاده از آموزش‌های یارانه‌ای دارند. هرچند که در جهت برقراری عدالت آموزشی سهمیه‌هایی برای مناطق محروم با تقسیم بندی مناطق به ۳۰ و ۳۰ و ۳۰ برای مناطق ۳ و ۲ در کنکور قرار داده شده است اما برای دانش‌آموزی که در مناطق محروم تهران تحصیل کرده و از امکانات محرومی برخوردار بوده سهمیه‌ای برای استفاده از آموزش‌های رایانه‌ای فراهم نیست. باید بررسی شود که دانش‌آموزانی که در رشته‌های بالا پذیرش می‌شوند از چه قشر خانوارهایی هستند و تا چه اندازه امکانات خاص آموزشی به آنها در پذیرفته شدن در دانشگاه کمک کرده است. بنابراین ممکن است شرایط مطلوب تحصیل در دوران مدرسه تعیین کننده‌تر از تلاش فرد در پذیرش در دانشگاه باشد. از طرفی آیا همه خانواده‌ها این امکان به ایشان فراهم است که حتی کتاب‌های کمک درسی برای فرزند مستعد و با انگیزه‌شان به آن‌ها برین بیشتر و بالا بردن شانس قبولی در دانشگاه‌های دولتی فراهم سازند. قشر محروم جامعه که فاقد موقعیت اقتصادی و اجتماعی است به تحصیلات به عنوان راهی برای بالا بردن موقعیت اجتماعی و احتمالاً اقتصادی خود می‌اندیشد. عدالت آموزشی مبتنی بر نظر اندیشمندان، دولت را موظف می‌داند که امکان برخورداری از امکانات موجود را برای افراد مستعد و پرتلاش اما محروم فراهم سازد. از طرفی وجود استحقاق‌ها و حقی که بشر به موجب خلقت خود بدست می‌آورد نیز توجیه‌کننده برخورداری از

تسهیلات کمک کننده به خانواده‌های نیازمند است (اودی، ۱۹۸۴). موضوع دیگری که در بررسی عدالت آموزشی با توجه به تعریف عدالت باید به آن توجه داشت این است که افراد به موجب خلقتشان ویژگی‌هایی دارند که نظام تعلیم و تربیت جامعه‌ای اسلامی نباید از آنها غافل باشد.

اگر چه در اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف شده است تا وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت (بدون توجه به جنسیت) تا پایان دوره متوسطه تحصیلی فراهم کند.

اما نگاهی گذر به چهار قانون برنامه توسعه نگاشته شده پس از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که در قانون برنامه پای اول و دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی کشور، ذیل مواد و تبصره نای بخش آموزش و پرورش، مواردی که به صراحت بر موضوع برابری جنسیتی در آموزش تاکید داشته باشد و راهبردهای مشخص برای آن ارائه نماید، وجود نداشته است ولی در بررسی مشکلات و تنگناهای نظام آموزش کشور در لایحه سوم، مسائل آموزش در ارتباط با جنسیت به مواردی همچون محدودیت مشارکت زنان در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری در نظام آموزشی کشور، عدم تناسب جنسیت معلمان با دانش‌آموزان، کمبود مربیان آموزش فنی و حرفه‌ای به‌ویژه زنان، بی‌توجهی به نقش مطلوب زنان در محتوای برخی از کتاب‌های درسی، تاکید شده بود و در این راستا، راهکارهایی چون بازنگری در برنامه‌های درسی متناسب با سن و جنس، اصلاح و متناسب‌سازی فضاهای آموزشی با توجه به شرایط جغرافیایی، جنسیت در دوره‌های تحصیلی، ایجاد شبانه‌روزی‌ها برای دوره راهنمایی با تاکید بر آموزش دختران، ایجاد مرکز تربیت مربی و موسسات آموزش فنی و حرفه‌ای ویژه زنان و تأمین امکانات

آموزش های فنی و حرفه ای از طریق استفاده مراکز شبانه روز خاص زنان و مردان مورد توجه قرار گرفت (سند برنامه سوم توسعه کشور، ۱۳۷۹) و با توجه به نابرابری های موجود در دسترسی به آموزش، در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در بندهای " الف "، " ب "، " م "، " س " ماده ۵۲ به گسترش فرصت های دسترسی به آموزش به ویژه برای دختران توجه ویژه ای شده است. (سند برنامه چهارم توسعه کشور، ۱۳۸۴).

به منظور این میزان تحقق تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش، مرکز آمارهای یونسکو (۲۰۰۷) و موسسه بین المللی برنامه ریزی آموزشی^۱ (۲۰۰۷) چارچوبی برای محاسبه شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش^۲ ارائه کرده اند که بر مبنای آن از تقسیم^۳ خنثیت نام ناخالص^۴ دختران بر پسران، شاخص تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش هر دوره را محاسبه می کنند، اگر عدد حاصل (شاخص تساوی جنسیتی) کمتر از ۱۰۰٪ و بیشتر از ۱/۲۵ دور از تحقق هدف برنامه، بین ۸٪ تا ۹۴٪ و ۱/۰۶ تا ۱/۲۵ در وضعیت متوسط نسبت به تحقق هدف و چنان چه شاخص تساوی جنسیتی بین ۶۹٪ تا ۱۰۰٪ و ۱/۰۱ تا ۱/۰۵ قرار گرفته باشد، نزدیک به تحقق هدف خواهند بود.

تساوی جنسیتی نیز در صورتی محقق شده است که رقم شاخص، بین ۹۷٪ تا ۱۰۳٪ باشد (شکل ۱-۲).

۱. UIS: UNESCO Institute for statistics

۲. IIEP : International Institute for Educational Planning

۳. (GPI) Gender parity Index in Access to Education

۴. GER : Gross Enrolment ratio